

«ابوالفضل نصیریان» از بازی در فیلم و سریال‌ها، دوران اعتیاد تا کسب موفقیت با نصب سنگ‌قبر در بهشت زهرا می‌گوید

زندگی سه‌گانه آقای بازیگر

آدم رویایی بودم و فکر نمی‌کردم با ۹۰ کیلو وزن و زرنگی که در وجودم داشتم به هرویین معتاد شوم
در دو سالی که به‌عنوان نصاب سنگ‌قبر در بهشت زهرا کار می‌کنم، ۱۰ کیلو وزن کم کردم



به‌ناز مقدسی [شاید او را در چندسکانس از فیلم‌ها و سریال‌ها دیده‌باشید و شاید هم نه، اما «ابوالفضل نصیریان» از آن عشق‌سینماهایی بود که از ۱۴ سالگی با آگهی در روزنامه همشهری راهی موسسه‌ای سینمایی شد تا برای بازی در یک فیلم تست دهد. اما در نهایت کار او در سینما از پشت صحنه آغاز شد تا با وجود همه رویاهایش به آنچه از آینده انتظار داشت، به جز چند نقش کوتاه، پیشنهاد دیگری نداشته باشد. زندگی ابوالفضل اما از آن روزی سخت شد که در اوج جوانی به دام اعتیاد افتاد. دورانی که ۵ سال طول کشید، تا در نهایت قیدر و باهائش را برزند و برای رویایی بازی زندگی واقعی به یک شغل و درآمد جدی تر فکر کند. همین هم شد که وقت به بهشت زهرا تا بی کار آبا و اجدادی‌شان را بگیرد. این روزها ابوالفضل، نصاب سنگ‌قبر شده و در گفت‌وویی که با او داشتیم زندگی پر فراز و نشیب، عبرت‌آموز و خواندنی‌اش را با هم مرور کردیم.

● همیشه خواندن مطالبی برای من جذاب است که در همان ابتدا، سن و سال و شخصیت نقش اول داستان به خواننده معرفی می‌شود. برای همین نخستین سوالم بیوگرافی شماست. چندسال دارید و تحصیلات‌تان چیست؟
من متولد سال ۱۳۶۴ و دیپلمه هستم. راستش چون عشق سینما و بازیگری بودم، اصلا درس خواندن را دوست نداشتم و دیپلم را هم به زور پدرم گرفتم. همان روزی هم که مدرک دیپلم‌م را گرفتم، رفته و به او گفتم پدرجان این دیپلم خدمت شما و دیگر اصرار به ادامه تحصیل نکن! من درس خواندن را دوست ندارم.
● آقای نصیریان این گفت‌وگو
سه بخش دارد. بخش نخست مربوط می‌شود به ورود شما به دنیای بازیگری. چه شد که در تن‌تان را ادامه ندادید و وارد سینما نشدید؟
من از کودکی عاشق بازیگری بودم، یعنی این موضوع برای من رویا بود، تا این که وقتی ۱۴ سالم شد در روزنامه آگهی که برای یک پروژه سینمایی از ناباز بگرن دعوت به همکاری کرده بود، توجهم را جلب کرد. برای تست دادن به این موسسه رفته، اما قبول نشدم. ولی همین آشنایی من با عوامل باعث شد در پشت صحنه کارهای تدارکات و صدابرداری بگیرم. بعدش هم یکی در میان درس می‌خواندم و سر آقاخانی بود. یکی دیگر از کارهایم بازی در کار آقای مسعود لوجانی و سریال «آمین از منوچهر هادی» است. یک فیلم هم به کارگردانی محمد کرمانشاهی ساخته شد که حتی به جشنواره فیلم مسکو رفت و در آن فیلم هم من نقش خلاف‌فیلم‌رایی بازی کردم.
● چه نقش‌هایی؟
در اکثر فیلم‌ها نقش‌های خلاف‌رایی بازی کردم.
● چه فیلم‌ها و سریال‌هایی بود؟
نخستین کارم سریال راه در رو به کارگردانی سعید آقاخانی بود. یکی دیگر از کارهایم بازی در کار آقای مسعود لوجانی و سریال «آمین از منوچهر هادی» است. یک فیلم هم به کارگردانی محمد کرمانشاهی ساخته شد که حتی به جشنواره فیلم مسکو رفت و در آن فیلم هم من نقش خلاف‌فیلم‌رایی بازی کردم.
● نقدی بیشتر نقش‌هایی که بازی کرده‌اید، نقش‌های منفی بوده است. چرا این نوع نقش‌ها به

با کمک چند کارگردان اعتیادم را ترک کردم

● اعتباردار با هرویین شروع کردید انمی دانستید که این مواد چیست و چه عواقبی دارد؟
راستش من ورزشکار و حتی شاگرد ارشد باشگاه بودم. اما آن شب وقتی در دورهمی که با دوستانم داشتم مواد را به من تعارف کردند، فکر نمی‌کردم با ۹۰ کیلو وزن و رویای قهرمانی و سوپر استار شدن درگیر ماجرای اعتیاد شوم! اصلا آگاهی نداشتم، فکر می‌کردم همه می‌دانند که من خیلی آدم زرنگی هستم و امکان ندارد به دام اعتیاد بی‌فتم. فقط می‌خواستم خودی‌شان دهم!
● دوران اعتیاد‌تان در فیلم و سریال‌ها بازی هم می‌کردید؟
بله، اوایل اجبار به مصرف بودم. یک روز چند کارگردانی که خودشان هم تجربه

● شمای پیشنهاد می‌شد؟
هم به خاطر چهارم و هم به خاطر تن صدام کارگردان هانقش‌های منفی‌رایه من می‌دانند.
● حوزه سینما را تا کجا ادامه دادی؟
بعد از چند سال کار کردن در حوزه سینما، یک دفتر سینمایی برای جذب و معرفی هنروران باز کردم، اما این کار پول چندانی نداشت. دو سال پیش که تصمیم گرفتم ازدواج کنم، موضوع درآمد برای من جدی تر شد و وقتی ازدواج کردم از لحاظ مالی به مشکل خوردم. تهیه‌کننده‌ها پول نمی‌دادند و هزینه اجاره دفتر یا درآمد جور در نمی‌آمد، دست آخر هم دفتر را جمع کردم و با پدرم که در کار فروش سنگ‌قبر بود، شریک شدم.
● وقتی به خواستگاری رفتید، به خانواده‌همسر‌تان گفتید شغل‌تان چیست؟
گفتم کارم سینماست، عاشق بازیگری هستم و در گوشه و کنار فعالیت می‌کنم. همسر هم مشکلی نداشت، اما مسائل مالی اذیتم کرد و مجبور شدم شغلم را تغییر دهم.
● همسر‌تان شما را به‌عنوان یک بازیگر و هنرور قبول کرده بود. اما شما یک تغییر شغل ۱۸۰ درجه‌ای داشتید و با حوزه هنر و سینما وارد کار فروش سنگ‌قبر شدید. می‌خواهم بدانم همسر‌تان با این موضوع مشکلی پیدا نکرد؟
نه مشکلی بین ما پیش نیامد و گفت هر کاری که خودت صلاح می‌دانی انجام بده.
● خیلی از بازیگران از بازی در نقش‌ها و سکانس‌های کوتاه شروع کردند و کم‌کم نقش اول را هم گرفته‌اند. چرا این اتفاق برای شما افتاد؟
راستش شاید این بخش از زندگی تقصیر خودم بود. من یک آدم رویایی بودم و همین موضوع باعث شد درست در ۱۸ سالگی و قبل از خدمت سربازی امتحان سختی را پس دهم. داشتن دوستان ناباب و رویاهایم با هم گره خورد و باعث شد مواد را امتحان کنم و درگیر اعتیاد شوم. آن هم اعتیاد به هرویین یعنی آن زمان من بیشتر در رویا زندگی می‌کردم تا واقعیت. هرویین من را به دنیای دیگری می‌برد و اوایل که مصرف می‌کردم خودم را به این رویاهایم تکیه می‌کردم.

از سینما تا نصب سنگ‌قبر

معمولا خانواده‌های عزادار روی فوت یک فرد جوان حساس تر هستند و اگر میت جوان باشد سنگ‌قبر بهتری را انتخاب می‌کنند.
● آقای نصیریان شما هر روز در محیط کاری مثل قبرستان مرگ‌ومیر می‌بینید. محیطی که مدام صدای گریه می‌آید، فضايش غم‌انگيز است و به‌هر حال هر روز در محیط کاری شادی نیست. این موضوع روی روحیه‌تان تأثیر نگذاشته است؟
صدرصد تأثیر گذار است. ببینید اوایل وقتی مشتری‌ها می‌آمدند و سنگ‌قبر عزیزان‌شان را از ما تحویل می‌گرفتند تا چشم‌شان به سنگ‌قبر می‌افتاد می‌زدند زیر گریه، من هم بعضی وقت‌ها بغضم می‌گرفتم و گاهی پایه‌های شاکر اشک می‌ریختم. الان هم در محیط بهشت‌زها گاهی از گریه و ناله‌های عزاداران اشکم سرازیر می‌شود. اما این کار یک بدی دارد. بدی‌اش هم این است که کم‌کم مقوله مرگ برای عادی شد و دیگر مثل سابق احساساتی نمی‌شوم. در کل فکر می‌کنم وقتی آدمیزاد به یک چیزهایی عادی می‌کند دیگر قبح یا ترس ماجرا برایش ریخته می‌شود. یعنی مردم از مرگ می‌ترسند و شاید به همین دلیل

بخواهد در میان سنگ‌قبرهای دیگر توجه بیشتری را به خودش جلب کند، چقدر آب می‌خورد؟
بین ۱۰۰ میلیون تا ۱۰۰ میلیون تومان قیمت دارند. ولی بساور کنید با این که فروش و نصب سنگ‌های گرانقیمت سود بیشتری برای ما دارد اما همیشه به مشتری‌هایم پیشنهاد می‌دهم سنگ ارزان‌تری بگیرد و به جای این همه هزینه، مابقی‌اش را به یک نیازمند کمک کنید؛ که البته تا به حال مشتری هم این حرف ما را گوش نداده است!
● گران‌ترین سنگ‌قبر چیست؟
سنگ مرمر صورتی گران‌ترین و کمیاب‌ترین سنگ‌قبر است. حدود ۱۰ تا ۲۰ سانت قطر دارد و حتی خامش ۵ میلیون تومان است و برای قبر حدود ۱۰۰ میلیون تومان فروش می‌رود. به‌هر حال این نوع سنگ مشتری‌های خاص خودش را دارد و طبیعتا از طبقه اجتماعی مرفه و ساکنان بالای شهر تهران هستند.
● جوان یا پیر بودن کسی که فوت شده در نوع سفارش مشتری تأثیر گذار است؟
بخواهد در میان سنگ‌قبرهای دیگر توجه بیشتری را به خودش جلب کند، چقدر آب می‌خورد؟
بین ۱۰۰ میلیون تا ۱۰۰ میلیون تومان قیمت دارند. ولی بساور کنید با این که فروش و نصب سنگ‌های گرانقیمت سود بیشتری برای ما دارد اما همیشه به مشتری‌هایم پیشنهاد می‌دهم سنگ ارزان‌تری بگیرد و به جای این همه هزینه، مابقی‌اش را به یک نیازمند کمک کنید؛ که البته تا به حال مشتری هم این حرف ما را گوش نداده است!
● گران‌ترین سنگ‌قبر چیست؟
سنگ مرمر صورتی گران‌ترین و کمیاب‌ترین سنگ‌قبر است. حدود ۱۰ تا ۲۰ سانت قطر دارد و حتی خامش ۵ میلیون تومان است و برای قبر حدود ۱۰۰ میلیون تومان فروش می‌رود. به‌هر حال این نوع سنگ مشتری‌های خاص خودش را دارد و طبیعتا از طبقه اجتماعی مرفه و ساکنان بالای شهر تهران هستند.
● جوان یا پیر بودن کسی که فوت شده در نوع سفارش مشتری تأثیر گذار است؟



من تا این سن که رسیدم بیشتر از آدم زنده می‌ترسم تا مرده (باخنده) البته به‌هر حال قبرستان خوف دارد اما من دیگر عادت کرده‌ام.
● شما در حوزه سینما سوخته شده‌اید اما هنوز برای شخصیت و درون شما هم این اتفاق افتاده است؟! منظرم این است که وقتی مرگ و میر جلوی چشم شما به امری روزمره و عادی تبدیل شده، چه تغییری در شما اتفاق افتاد؟
راستش مساله مالی اذیتم می‌کند. من از ۱۴ سالگی زندگی و آینده‌ام را برای این کار با همسرم به یک کابرفروشی رفتم و من یک کتابی که در رابطه با اتفاقات پس از مرگ بود را خریدم. اتفاقا همسرم پرسید که چرا این کتاب را می‌خری؟! گفتم آن قدر با مقوله مرگ سر و کار پیدا کردم که دیگر برایم عادی شده و برای همین حس می‌کنم نیاز دارم که از زاویه دیگری به مرگ نگاه کنم.
● سختی کارتان چیست؟
من در این ۲ سالی که وارد این کار شده‌ام حدود ۱۰ کیلو وزن کم کرده‌ام. در سرما باید بلبزیم و زیر آفتاب هم باید کار کنیم. از طرف دیگر تراش دادن سنگ‌ها برای حکاکی یکی از سخت‌ترین بخش‌های کار است. چون خاک زیادی دارد ریه‌های من به خاطر همین کار به شدت آسیب دیده و به همین دلیل مسامم سرفه می‌کنم. پدر بزرگ من هم که در این کار بود آخر عمرش به شدت سرفه می‌کرد و دست آخر هم به خاطر مشکل روی از دنیا رفت. خاک گرانیت از سم هم خطرناک‌تر است، الان ابزار زن‌های این نوع سنگ بیشتر کارگران افغان هستند که نه بیمه‌ای دارند و نه مزد آنچنانی.
● شب‌ها هم در قبرستان کار می‌کنید؟
بله، بعضی وقت‌ها اگر کارمان زیاد باشد و سرمان شلوغ شود ممکن است تا نصفه شب هم بالای سر قبرها سنگ‌قبر نصب کنیم.
● قبرستان در شب ترس‌ناک است؟
کمی ترسناک است که می‌گویند:
● به سرعت من اگر می‌آید نرم و آهسته بیاید مبادا که ترک بردارد چینی نازک تنهایی من!

● بخش سوم گفت‌وگو می‌مربوط می‌شود به شغل فعلی شما. از کار فروش سنگ‌قبر بگویید.
وقتی وارد این کار شدم پدرم مغازه داشت و ما سنگ‌قبر می‌فروختم. ولی بعد از مدتی مغازه پدری‌ام افتاد دست ورته و در نهایت عمه‌هایم آن‌جا را از ما گرفتند. الان مغازه‌های نامرد و پدرم خانه‌نشین شد. حالا من اصطلاحا کارگر کارگرها شدم و بنیادی و معماری سنگ‌قبرهای بهشت زهرا را انجام می‌دهم. در واقع سنگ‌قبر را مثل یک پازل روی خاک می‌چینم و نصب می‌کنم. البته چون ما از قدیم در کار فروش سنگ بودیم هنوز هم عده‌ای که از قدیم ما را می‌شناسند برای خرید سنگ‌قبر به ما می‌زنند و ما هم با واسطه به آنها سنگ می‌فروشیم.
● در چند سال اخیر گزارش‌ها و خبرهایی از فروش سنگ‌قبر منتشر شد که نشان می‌داد این کار پردرآمد است. شما که در این حوزه فعالیت می‌کنید بازار کار را چگونه می‌بینید؟
قدیم که تعداد فروشنده کمتر بود و در واقع، دست کم بود این کار سود داشت. ولی الان وضع فرق کرده. قبلا وقتی مشتری به ما مراجعه می‌کرد قیمت را ما تعیین می‌کردیم یعنی بعضی وقت‌ها از یک سنگ‌قبر ۵۰ درصد به جیب فروشنده می‌رفت اما الان آن قدر تعداد مغازه‌های سنگ‌قبر فروشی زیاد شده و رقابت به وجود آمده که دیگر مثل سابق پردرآمد نیست.
● فروش سنگ‌قبر بازار سیاه هم دارد؟
نه بازار سیاه ندارد اما رقابت‌ها باعث چالش در این حوزه شده است. مثلا الان بعضی از فروشنده‌ها سنگ‌قبر ارزان می‌فروشند اما در واقع این سنگ‌ها سنگ‌های ایراددار یا اصطلاحا شال‌دار هستند که بعد از مدتی باز می‌شوند و از بین می‌روند. اما خوب مشتری‌ها که این چیزها را نمی‌دانند و چون جیب‌شان خالی است می‌خواهند فقط چپلم و سال رد نشود بنابراین وقتی می‌بینند فروشنده‌ای